الباب الثامن من الواحد الخامس فی ان لکل نفسه ان یقرء…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب الثامن من الواحد الخامس** فی ان لکل نفسه ان یقرء آیات البیان و عدم جواز نقصها عن عدد الواحد و من لم یقدر یقول ”الله الله ربی و لا أشرک بالله ربی احدا“ تسعة عشر مرة.

ملخص این باب آنکه خلق بیان را تصور کن مثل نفوس مؤمنه بآن چگونه هر نفسی در حدی واقف و بشأنی ظاهر وهمین قسم آیات بیان را مشاهده کن و در این بحر هر چه میخواهی غوص نموده و لئالی که خداوند در او خلق فرموده بیرون آورده ولکن قرائت آن را از روی روح و ریحان نموده هر قدر که فؤادت متلذذ میگردد تلاوت نموده و کمتر از عدد واحد اذن داده نشده سر آن این است که ازمظاهر واحد تجاوز ننموده لعل ببرکت هدایت تلاوت این آیات یوم قیامت بهدایت ایشان مهتدی گردید

و کل بیان را مثل مایۀ فرض کن که کسی بکسی میدهد تجارت کند مالک آن ”من یظهره الله“ است که بنفوس مؤمنه بنقطۀ بیان سپرده که باو تجارت نمایند از برای یوم ظهور خود که اگر بخواهد مایه را پس بگیرد کسی لم و بم نگوید بهر جزئی حکمی بما لا نهایه نفوس در آن متبحر هستند چنانچه امـــــروز می بینی اگر کسی مسئله طهارت قرآن را درس گوید چگونه بان تجارت دین و دنیا میکند و لیکن در یوم ظهور صاحبش که میخواهد حساب از مردم پس بگیرد همه خود را عمیاء میکنند و در یوم ظهور ”من یظهره الله“ تصور کن که این جنت را بر پا نموده که آن روز اخذ حدائق کند یک حدیقه را سلطان فرض کن و یکی را عالم و یکی را تاجر و همین قسم در اصناف مردم جاری کن

و در یوم ظهور خواهی بود و صاحب وجود خود را و ما یتفرع بر او را از مال خود ممنوع مکن چنانچه آن روز هم مثل امروز میبینی در بیان یکی میگوید قاضی بیان هستم یکی شیخ الاسلام یکی مجتهد یکی امام جمعه و همه باین اسماء مفتخر هستند ولی از صاحب آن که این اسماء از او نشر نموده محتجب چه یوم ظهور ”من یظهره الله“ الی ما لا نهایه تلاوت بیان میشود ولی از منزل آن محتجب

ولیکن تصور نمیکنند که در حین نزول بیان مثل حین ظهور او است چنانچه حین نزول قرآن را شنیده ولی اخذ ثمر نمیکنند چون امروز می بینند عزیز است کل باسم عزت او مفتخرند ولی همین قرآن بود که در بیست و سه سال نازل شد و ظاهر است که در آن روز نسخه لایقی تمام نشد و الا امیر المؤمنین - علیه السلام - در رداء مبارک خود بمسجد نمیآورد بآن نحو که مذکور است قسم بذات اقدس الهی جل و عز که در یوم ظهور ”من یظهره الله“ اگر کسی یک آیه از او شنود و تلاوت کند بهتر است از آنکه هزار مرتبه بیان را تلاوت کند

قدری تعقل نموده ببینید که امروز آنچه در اسلام هست درجه بدرجه منتهی میگردد تا بمبدأ که کتاب الله هست ختم میشود همین قسم یوم ظهور ”من یظهره الله“ را تصور کن که مبدأ دلیل بر ید او است و محتجب بشئون مؤتفکه مشو که او اجل از آن است زیرا که کل شئون دلیل متفرع میگردد بر کتاب الله و او بنفسه حجت است زیرا که کل از اتیان مثل او عاجز هستند ولی هزار ان هزار عالم منطق و نحو و صرف و فقه و اصول و امثال آن هستند که اگر مؤمن بکتاب الله نباشند حکم دون ایمان بر آنها میشود پس ثمر در نفس حجت است نه درشئون ما یتفرع

و بدانکه در بیان هیچ حرفی نازل نشده مگر آنکه قصد شده که اطاعت کنند ”من یظهره الله“ را که او بوده منزل بیان قبل از ظهور خود

و اگر نتوانید تلاوت آیات نمایید نوزده مرتبه از طلوع تا طلوع گفته الله الله ربی و لا اشرک بالله ربی احدا که اگر از روی بصیرت گوئید بلا ریب در یوم قیامت مهتدی بهدای حق خواهید شد و ثواب کل بیان عطا کرده خواهد شد

و الله یؤتی الفضل من یشاء من عباده انه کان ذا فضل عظیما.

